

جیب خورش و زین بکند درین احوال بودیم که خواب بر من علیهم  
 آواری شنیدم که کسی میگوید صومعه طیب علی البیت دست را بدست  
 رسانید چون بیدار شدم بمان او از شنیده بودم تا عیاشی که  
 مردان در مسجد شنیده بودند **از آنجا که** که ابو بکر رضی الله عنه  
 در صیت کرده بود که تا بوقت مراد در وضع رسول صلی الله علیه و سلم  
 برید و بگوید السلام علیک یا رسول الله این ابو بکر است یا است  
 این که گویا اجازت نمود و در گذشته کرده در ازید و الا مقصود بود  
 میگوید که چون ابو جیب صیت ابو بکر رضی الله عنه عمل کردند هنوز  
 این کلمات تمام نشده بود که برده دور شد و او از در بر آمد و ندی  
 بگویش ما رسید که در این صیبه را بسوی صیبه **از آنجا که**  
 که شبی بر اعمامان رسیدند و وی پیش حضرت رسالت بود  
 صلی الله علیه و سلم تا وقت خواب کردن مانند چون خانه باز آمد  
 بر رسید که مهمانان شام خورده اند اهل می گفتند طعام آوردیم  
 بخورند و موقوف شنیدند تا با تو طعام خوردند و ای غضب  
 و سوگند خورد که از آن طعام نخورد و بعد از آن گفت این سوگند بر ایشان

از آن طعام خوردند

از آن طعام خوردند گفت راوی گوید هر گاه که از آن طعام بر سر شد  
 از آن بر تو شبته از آنکه برید اشتمید ای آن تا میسر خوردند و آنچه  
 باقی ماند سه برابر اول بعد از آن مردم بسیار که عدد ایشان از آنکه  
 از آن طعام خوردند **از آنجا که** که در مرض اخیر فرزندان خود را  
 بعایت رضی الله عنهما گفت مرا یک خواهر هست دیگر که ام است گفت  
 خاتون من حامله است و گمان نمی برم که فتنه زنند و ای دختر خود را  
 و اطمینان بود چون خاتون وضع حمل کرد دختر آمد **از آنجا که**  
**از آنجا که** رسول صلی الله علیه و سلم  
 فرموده است که در اهل ساله جماعتی مخدین می بودند یعنی که خدای  
 تعالی با ایشان سخن می گفت و اگر درین امت همچنان کسی باشد  
 بنی الطلح است و مویده اینست است آنکه این غسر رضی الله  
 تعالی عنهما گفته است که در راهی که اصحاب سخن گفتند حکم الهی  
 موافق سخن نبی است از آنکه ابو هریره رضی الله عنه گوید که از رسول  
 شنیدم که می گفت در خواب دیدم که دلوئی در عیاشی انداخته بود  
 بران دلو از آن جای که شنیدم چند آنکه خدای تعالی خواسته بود

صلی الله علیه و سلم